



شهرت کتاب‌ها، فارغ از کلمات

کتاب خواندن به بهانه هواداری

میرزا رحیمی نوری
خبرنگار



پرفروش شدن رمان‌هایی خاص با دلیل غیر ادبی اتفاق جدیدی نیست، بعد از ورود شبکه‌های اجتماعی دلایل

جنوبی، معرفی کردند. چند روز پیش هم وبسایت فیدویی یادداشتی با عنوان «هفت کتاب جذاب برای نوجوانان که بی‌تی‌اس معرفی کرده‌است.» منتشر کرد. به همین بهانه می‌خواهیم در مورد ویژگی‌های ادبی این چند کتاب صحبت کنیم و اینکه آیا این کتاب‌ها اساساً کتاب نوجوان محسوب می‌شوند؟

جدیدتری هم پیدا شد. به همین خاطر هم کتاب‌هایی مثل «من پیش از تو» و «ملت عشق» مدت زمان زیادی در قفسه پرفروش‌های کتابفروشی‌ها قرار گرفتند. یادداشت امروز در مورد چند کتاب پرفروش است که محبوبیت آنها هم دلایل غیر ادبی دارد، کتاب‌هایی که گروه موسیقی بی‌تی‌اس، معروف‌ترین گروه موسیقی کره

مغازه جادویی

این داستان پسر فقیری است که پدری دائم‌الخمر و مادری افسرده دارد، او یک روز به طور اتفاقی در یک مغازه فروش لوازم شمع‌سازان بازنی ملاقات می‌کند که به او تکنیک‌هایی برای آرامش و رسیدن به خواسته‌ها را آموزش می‌دهد. (تقریباً مشابه همان چیزی که در مستندهای راز گفته می‌شود). پسرک داستان هم به همین طریق می‌تواند به دانشگاه راه پیدا کند، جراح مغز و اعصاب شود به ثروت قابل توجهی برسد و در نهایت همه ثروتش را خرج نیازمندان کند. نویسنده در طول داستان تکنیک‌هایی را که در آن مغازه یاد گرفته در پایان هر فصل به مخاطبش آموزش می‌دهد که نمی‌دانم از نظر روانشناسی چقدر می‌تواند مؤثر باشد. جدای از مسائلی که به طور پراکنده در داستان بیان می‌شود، این کتاب برای گروه سنی نوجوان نامناسب است، چنین اثری پیام مثبت قابل توجهی هم ندارد. شخصیت داستان بیش از آنکه از تلاش و پشتکارش صحبت کند از دستاویزی شبیه به شانس حرف می‌زند که منبع قابل اعتمادی برای رسیدن به موفقیت به نظر نمی‌رسد.

به طور کلی اگر از مغازه جادویی انتظار یک رمان یا داستان را دارید احتمالاً سرخورده خواهید شد، اگر دنبال یک کتاب خودیاری یا آموزشی می‌گردید احتمالاً کتاب‌های بهتری پیدا خواهید کرد و اگر هوادار بی‌تی‌اس هستید، به نظر می‌رسد گوش کردن به آهنگ مغازه جادویی به خواندن کتاب مغازه جادویی ارجحیت دارد.

مغازه جادویی علاوه بر اینکه نام کتابی از یک جراح امریکایی به نام «جیمز دوتی» است، نام یکی از قطعات موسیقی گروه بی‌تی‌اس هم است. به همین دلیل روی جلد نسخه‌ای که به دست من می‌رسد عکس اعضا و لوگو گروه موسیقی بی‌تی‌اس چاپ شده. در برنامه‌های کتابخوان مثل طاقچه و فیدویی نظراتی را می‌بینم که خوانندگان به عکس جلد کتاب اعتراض کردند و دلیل اصلی‌شان هم این است که محتوای کتاب هیچ ارتباطی با بی‌تی‌اس ندارد اما ناشر یا ناشرها برای جلب توجه مخاطب، دست به چنین کاری زده‌اند. با نهایت تأسف باید بگویم که محتوای آهنگ مغازه جادویی هم ارتباط قابل توجهی با کتاب مغازه جادویی ندارد. گرچه همه جا برای معرفی این قطعه موسیقی، آن را الهام گرفته از کتاب معرفی می‌کنند یا بالعکس برای تبلیغ کتاب، آن را به قطعه مغازه جادویی ربط می‌دهند. هر چه که هست، مغازه جادویی اساساً یک رمان نیست، بیشتر شبیه یک زندگی‌نامه یا یک جستار زیادی بلند است. نویسنده با تعریف کردن خاطراتی از زندگی‌اش تلاش کرده است که بخشی از نقطه نظراتش را جمع به جهان و کائنات را در اختیار خواننده قرار بدهد. دقیقاً نمی‌دانم خاطراتی که تعریف می‌کند صرفاً زاپه‌دهن اوست یا واقعاً در زندگی‌اش رخ داده، در مقدمه کتاب یاد در جست‌وجوهای اینترنتی هم چیزی در مورد صحت و سقم روایت‌ها پیدا نمی‌کنم.

اگر بخواهم به طور خلاصه بگویم، مغازه جادویی، نسخه به‌روز شده مستندهای «راز» است که دوده پیش توجه افراط‌زادی را به خود جلب کرده بود و هر کجا می‌رسیدی یک نفر تلاش می‌کرد با تحت تأثیر قرار دادن کائنات به خواسته‌هایش برسد. شخصیت اصلی

بادام

«بادام» یکی از معدود کتاب‌های معرفی شده توسط بی‌تی‌اس است که نویسنده آن هم اهل کره جنوبی است. وون پیونگ سون نویسنده این کتاب، پس از تولد فرزندش به این فکر افتاده که اگر این موجود کوچک، در آینده، ویژگی‌های فرزند ایده‌آلش را نداشته باشد، چه احساسی به او دست خواهد داد و به همین بهانه دو شخصیت اصلی این داستان به نام‌های «یون‌جه» و «گن» را خلق کرد. یون‌جه به علت مشکلی مادرزادی در بخشی از مغزش، توان درک احساسات متفاوت را ندارد؛ بنابراین مثل انسان‌های دیگر هیچ‌ان زده یا خوشحال نمی‌شود و چیزی به اسم ترس را احساس نمی‌کند. گن هم پسر نوجوانی است که در کودکی گم و دور از پدر و مادرش بزرگ شده است و وقتی مجدداً با والدین خود دیدار می‌کند، شخصیتی است که با ایده‌آل آنها تفاوت چشمگیری دارد.

مسیر زندگی این دو پسر در نقطه‌ای از داستان بهم گره می‌خورد و همین باعث تغییر رفتار و سرنوشت‌شان می‌شود. می‌توان گفت که بادام از آن کتاب‌هایی است که پیروزی تکراری دارد اما احتمالاً برای دوستداران این ژانر، هیچ‌وقت تکراری نمی‌شود. از آن رمان‌های واقع‌گرای نوجوان که ماجرای نوجوانی را روایت می‌کند که با مشکلی دست‌وپنجه نرم می‌کند و در نهایت موفق می‌شود از آن عبور کند. حالا این مشکل می‌تواند سرطان باشد، یا قطع شدن عضوی از بدن یا مانند یون‌جه، اختلال در بخشی از مغز و درک نکردن احساسات.

تفاوت بادام، با باقی کتاب‌های نوجوانی که خوانده‌بودم در زمان و مکان آن است. یون‌جه و گن اهل کره جنوبی هستند، پس با وجود اینکه کتاب، داستانی تقریباً تکراری دارد، تغییر مکانش، موجب شکل‌گیری ویژگی‌های منحصر به فردی شده است. فضای مدرسه، محله و خانواده‌ها در این کتاب متفاوت با فضایی امریکایی اغلب کتاب‌های نوجوان است و همین نکته کوچک ممکن است در جذابیت آن اثرگذار باشد.

یک ویژگی جدید دیگر این داستان، آشنایی با نوعی اختلال مغزی است که احتمالاً پیش از این چیزی در مورد آن نشنیده‌ایم و در طول داستان با ابعادش آشنا می‌شویم. در بخشی از داستان «دکتر شیم» که در همسایگی

یون‌جه زندگی می‌کند به او می‌گوید که در مورد اختلال مادرزادی او مطمئن نیست و به نظرش او هم یک روز درمان خواهد شد و مغز پیچیده‌تر از آن است که بتوان به راحتی ابعاد مختلفش را شناخت. یون‌جه هم در طول داستان بتدریج با تمرین، تبدیل به انسان جدیدی می‌شود. البته او هنوز مثل انسان‌های عادی قادر به درک احساسات نیست اما می‌تواند چیزهایی مانند عشق یا دوستی را به خوبی درک کند.

بادام پیری نوجوان‌های کتابخوان، کتابی تقریباً شبیه به دیگر کتاب‌هایی است که خوانده‌اند اما همین کتاب می‌تواند پیشنهاد خوبی برای نوجوان‌هایی باشد که چندان اهل کتاب خواندن نیستند اما به بهانه معرفی گروه موسیقی بی‌تی‌اس، سراغش رفتند. این کتاب داستانی روان دارد که سریع و بدون اضافه‌گویی پیش می‌رود و در نهایت می‌تواند توجه خواننده را به نکات مثبتی جلب کند.

اگر نوجوان‌های اطراف شما به هر دلیلی این کتاب را مطالعه کردند و به آن علاقه داشتند (یا حتی اگر خودتان مطالعه کردید و خوش‌تان آمد) می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابه آن بروید. کتاب‌هایی مثل «شگفتی» و «ماجرای عجیب سگی در شب» از نشر افق یا «بیرون ذهن من» از نشر پیدایش.

کتابخانه نیمه شب

رسیدن به آرزوها در آستانه سن تحقق آرزوها چندان معنایی ندارد و احتمالاً مخاطبان کم‌سن و سال عمق مفهوم داستان را درک نخواهند کرد. جدای از اینکه در بعضی بخش‌ها، خواندن تحقیر پیدا کردن همه حسرت‌های زندگی نورا تا حدی کسالت‌بار بود، اما به طور کلی کتاب، داستان روان، جذاب و در نهایت پایان‌جالبی دارد و به خواننده کمک می‌کند در زمینه ابعاد مختلف زندگی‌اش فکر کند. این کتاب من را یاد داستان‌های دیگری مانند «پنج نفری که در بهشت ملاقات خواهید کرد» یا «اولین تماس تلفنی از بهشت» می‌اندازد در این داستان‌ها هم، افراد با زندگی پس از مرگ و معنای زندگی‌شان درگیرند و هر کدام ماجرای جالبی را تجربه می‌کنند.

احتمالاً همه شهرت این کتاب ارتباطی به معرفی بی‌تی‌اس ندارد اما نامش در لیست کتاب‌های پیشنهادی این گروه موجود است. این کتاب ماجرای دختر جوانی به نام «نورا» است که دست به خودکشی می‌زند و پیش از مرگ در یک کتابخانه با همه حسرت‌های زندگی‌اش روبه‌رو می‌شود و می‌تواند زندگی‌های جدیدی را تجربه کند. مثلاً او همیشه حسرت این را داشته که قهرمان شنا شود و در المپیک مدال بیاورد و در یکی از زندگی‌های جدید آن را تجربه می‌کند. چنین کتابی گزینه مناسبی برای نوجوان‌ها نیست، فارغ از اینکه بعضی از نکات داستان مناسب بزرگسالان است. اساساً چنین پیروزی برای مخاطب نوجوان طراحی نشده. حتی از قسمت‌های داستان یکی از شخصیت‌ها می‌گوید همه کسانی که پیش از مرگ به دنبال برطرف کردن حسرت‌هایشان می‌روند در حدود ۳۰ سال دارند. با همین تعریف چنین احساساتی اساساً مخصوص نوجوانی نیست، چون حسرت در



اگر نوجوان‌های اطراف شما به هر دلیلی این کتاب را مطالعه کردند و به آن علاقه داشتند (یا حتی اگر خودتان مطالعه کردید و خوش‌تان آمد) می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابه آن بروید. کتاب‌هایی مثل «شگفتی» و «ماجرای عجیب سگی در شب» از نشر افق یا «بیرون ذهن من» از نشر پیدایش.

باقی کتاب‌های معرفی شده توسط بی‌تی‌اس

لیست کتاب‌هایی که بی‌تی‌اس آنها را معرفی کرده یا در گفت‌وگویی از آن نام برده یا قطعه موسیقی خاصی را از آن کتاب الهام گرفته طولانی‌تر از سه کتاب بالاست. مثلاً یکی از موزیک ویدیوهای این گروه از کتاب «دمیان» هرمان هسه الهام گرفته شده یا اعضا از کتاب «ناتور دشت» دیوید سلینجر نام برده‌اند. یا در جایی دیگر کتاب «من پیش از تو» و «کافکا در کرانه» را معرفی کردند. این

مخصوص نوجوانان نیست. مثلاً کسی از نوجوانی انتظار ندارد که دمیان را بخواند. حالا اگر نوجوان هستید و این روزها دل‌تان می‌خواهد کتابی مثل «بادام» را بخوانید یا اگر نوجوانی اطراف‌تان دارید که دنبال این کتاب است، بعد از خواندن آن می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابهش هم بروید؛ احتمالاً پشیمان نخواهید شد.

کتاب‌ها پیش از این گروه موسیقی شهرت داشتند و احتمالاً پس از آنها هم همین‌طور خواهد بود. اینکه نوجوان‌ها بخوانند به خاطر علاقه به یک گروه موسیقی سراغ مطالعه کتاب بروند به خودی خود اتفاق بدی نیست اما باید توجه کرد که اعضای این گروه و هواداران‌شان فقط افراد نوجوان نیستند و کتاب‌هایی که آنها معرفی می‌کنند برخلاف تیترو سایت‌های معرفی کتاب، صرفاً

